

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مأخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

تأملی در زیارتنامه‌ی اربعین

در زیارت اربعین، تعبیر، خیلی عجیب و عمیق است. در عبارات زیارت هست که امام حسین علیه السلام در آن فضای تاریک و ظلمانی، در آن فضای سنگین اختناق و ستمی که حاکم بود، آمد و راه عذر و بهانه را بر همه بست. آن قدر شفاف، حق و باطل را روشن کرد و رسالت سنگین انسان‌های اهل ایمان را در دفاع از فضیلت، در دفاع از حق، در مبارزه‌ی با ظلم، تبیین کرد که دیگر برای کسی جای عذر و بهانه‌ای نماند. «فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ»؛ در دعوت کردن به دین خدا، به سمت اهداف الهی، به سمت فضیلت، پاکی، به سمت دیانت، عدالت، راه عذر و بهانه را بر همه بست؛ اتمام حجت کرد بر همه. «وَمَنْحَ النَّصِيحِ» و خیراندیشی و خیرخواهی را به لطیف‌ترین و زیباترین صورت خودش در حق مردم عملی کرد.

«وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»؛ اباعبدالله الحسین علیه السلام خون قلب خودش را در راه تو ای خدا بذل کرد؛ بی هیچ تمنّایی، بی هیچ انتظاری، بی هیچ توقّعی، خون دل خودش را ایثار کرد به خاطر اینکه بندگان تو را که در وادی جهالت گم شده بودند، به جهل و به ناآگاهی مبتلا شده بودند، از این جهالت و ناآگاهی نجات بدهد. «وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»؛ و اینها را از این حالت تحیری که در ضلالت و گمراهی گریبانگیرشان بود، نجات بدهد. امام حسین علیه السلام برای این راه افتاد؛ اما در برابر چه کردند؟!

«وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا»؛ کسانی که دنیا مغرورشان کرده بود، گول زده بود، اسیر محبت و عشق دنیا شده بودند، «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ»؛ اینها دست به دست هم دادند و یک گروه به هم پیوسته‌ای شدند و

یکجا همه هجوم بردند بر حسین علیه السلام؛ «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَزَتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَذْنَى»؛ کسانی که بهره‌ی خودشان را از هستی، بهره‌ی خودشان را از حیات، به بهای اندک و بی‌ارزش دنیا فروختند.

«وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ»؛ و آخرت خودشان را به قیمت بسیار اندکی فروختند. می‌دانید که در تاریخ نقل شده، بعد از حادثه‌ی عاشورا، این جنازه‌های سپاهیان عمرسعد را، بعضی‌ها را که جیب‌هایشان را گشتند، در جیب اینها حواله‌ی یک من جو بود! اینها حواله‌ی یک من جو گرفتند و آمدند حسین علیه السلام را کشتند! به قیمت یک من جو پسر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شهید کردند!! «وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ»؛ اینها آخرت خودشان را به قیمت بسیار پست و نازلی فروختند.

«وَتَغَطَّرَسَ»؛ سرکشی کردند؛ گردنکشی کردند. «وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ»؛ و در وادی هوای نفس سقوط کردند. «وَأَسْحَطَكَ وَ اسْحَطَ نَبِيَّكَ»؛ خدایا اینها تو را به خشم آوردند؛ رسول تو را به خشم آوردند.

«وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ»؛ و از بین بندگان تو، اهل شقاوت را، اهل اختلاف را، و اهل نفاق و اهل دورویی را، برای اطاعت انتخاب کردند؛ از آنها اطاعت کردند. «وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ»؛ و کسانی را که حاملان وزر و وبال و گناه بودند، فرمانده، راهبر، و الگوی زندگی خودشان قرار دادند. «الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ»؛ کسانی را که مستوجب آتش دوزخ بودند، اینها را الگو و مدل خودشان قرار دادند؛ دنبال اینها راه افتادند.

«فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا»؛ آن وقت اباعبدالله الحسین علیه السلام فقط خالصانه در راه تو، آمد به میدان مبارزه‌ی با آنها؛ و صابر و محتسب! هم مقاوم و پایمرد و صبور در برابر مصیبت‌ها و سختی‌ها، و هم محتسب؛ یعنی همه را به حساب تو گذاشت؛ به عشق تو این ایثار را کرد. به خاطر تو، در راه محبت تو، هر چه را داشت باخت. گفت:

تَرَكْتُ الْخَلْقَ طَرًّا فِي هَوَاكَ
فَلَوْ قَطَعْتَنِي فِي الْحُبِّ إِرْبًا
وَ أَيَّتَمَّتْ الْعِيَالُ لِكُنِّي أَرَاكَ
لَمَّا حَنَّ الْفُؤَادُ إِلَى سِوَاكَ

^۱ سیدبن طاووس، معارج المحیبه (لهوف منظوم)، ص ۱۰۰ و خوئی، منهاج البراعة، ج ۱۳، ص ۳۴۰.

همه‌ی خلق را در راه عشق تو، یکسره ترک کردم. و زن و بچه‌ام را هم یتیم کردم به عشق دیدار تو. اگر در راه عشق و محبت، مرا قطعه قطعه هم بکنی، ارباً اربا شوم، قلب من به سوی غیر تو محال است پر بکشد ای خدا!

این‌طور آمد به میدان! «حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ»؛ تا اینکه خون او را در راه طاعت و فرمانبری تو بر زمین ریختند؛ مظلومانه! با لب عطشان! در غربت و تنهایی مطلق!

«وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ»^۲؛ و حریم او را هم مباح دانستند؛ دختران پیغمبر خدا ﷺ را، خاندان رسول خدا ﷺ را، حریم پیغمبر خدا ﷺ را مجاز دانستند که معجز از سرهای ایشان بکشند؛ تازیانه بر پیکرهای ایشان بزنند؛ و بدون روپوش و بدون چادر و حجابی در بین مردم رذل و پست بگردانند؛ و ایشان را مثل خارجی‌ها به نمایش بگذارند.

در اواخر همین زیارت می‌خوانیم که «قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ»؛ حالا ببینید موضع ما در رابطه با این واقعیت چیست؟ «قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ»؛ قلبمان را تسلیم تو کردیم یا اباعبدالله! در دل ما جز محبت تو هیچ چیز راه ندارد. دل ما فقط به سوی تو پر می‌کشد؛ تسلیم توست دل ما؛ عاشق هیچ چیز نیستیم؛ نه دنیا می‌خواهیم، نه آخرت؛ نه بهشت می‌خواهیم، نه حورالعین؛ تو بهشت مایی! تو نعیم مایی! تو جنت مایی! تو دنیای مایی! تو آخرت مایی ای حسین!

«وَ اَمْرِي لِامْرِكُمْ مُتَّبِعٌ»؛ در عمل هم ما فرمانبر توایم؛ فرمانبر دستورات توایم؛ راه تو را دنبال می‌کنیم در زندگی. «وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ»؛ و تمام نیروی خودمان را برای یاری تو آماده کردیم؛ یاری اهداف تو؛ یاری برنامه‌های تو. «حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ»؛ تا اینکه خدا اذن بدهد و امر فرج صادر بشود، و انتقام خون

^۲ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۵۹۰ و طوسی، محمّین‌الحسن، تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸،

به ناحق ریخته‌ی شما گرفته شود؛ تا زمان ظهور ما همچنان در راه شما پابرجاییم؛ دل به شما سپردیم و آماده‌ی نصرت اهداف و آرمان‌های شما هستیم.

«فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ»^۳؛ ما فقط با شما ایم؛ با دشمنان شما نیستیم. این «مَعَكُمْ مَعَكُمْ» خیلی معنا دارد؛ یعنی اخلاقمان، رفتارمان، زندگیمان، اقتصادمان، سیاستمان، خانواده‌مان، کارمان، اجتماعمان، روابط دوستیمان، همه‌ی اینها با شماست. «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ»؛ یعنی راه شما را طی می‌کنیم در زندگی. «لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ»؛ ما راه دشمنان شما را که دنیاپرست بودند، دشمنان شما را که اهل فسق و فجور بودند، دشمنان شما را که اهل ظلم و ستم بودند، دشمنان شما را که اهل غفلت و تباهی بودند، راه آنها را طی نمی‌کنیم؛ «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ».

به هر حال امیدواریم که خدای متعال به برکت این اربعین حسینی توفیق معرفت بیشتر نسبت به این نهضت عظیم و نسبت به این ولیّ اعظم خودمان را نصیب همه‌ی ما بکند؛ و قلب ما را از محبت اباعبدالله الحسین علیه السلام سرشار کند؛ و راه ما را در زندگی، راه اباعبدالله الحسین علیه السلام قرار بدهد؛ و در دنیا و آخرت لحظه‌ای از الطاف و عنایات این امام بزرگوار محرومان نگرداند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۰۰ و سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۵۹۱ و محدث قمی، مفاتیح الجنان،

زیارت امام حسین علیه السلام، در عید قربان و عید فطر.